

معرفی روشهای تحلیل داده‌های کیفی با تأکید بر روش تحلیل محتوا

گردآوری:

حسین علی حاجیلو

کارشناس ارشد مدیریت سیستم و بهره‌وری

چکیده

روشهای مختلفی برای تحلیل و طبقه‌بندی داده‌های جمع‌آوری شده در تحقیق کیفی وجود دارد که بسته به نوع تحقیق و موردکاوی از هر کدام استفاده می‌شود. در این مقاله با اشاره مختصر به پانزده روش اصلی تحلیل در چنین تحقیقاتی و معرفی آنها به تشریح یکی از روشها به نام روش تحلیل محتوا (qualitative content analysis) می‌پردازیم.

مقدمه

رهیافتهای مختلفی را برای جمع‌آوری تحلیل و تغییر داده‌های کیفی مطرح می‌کند. [۱]

۱. معرفی روشهای مختلف تحلیل داده‌ها در تحقیق کیفی

یک سیستم طبقه‌بندی است که از الگوها، زمینه‌ها و یا نوع دیگری از گروه‌بندی داده‌ها به دست می‌آید. بطور ایده‌آل، طبقه‌بندی در صورت امکان باید انحصاری و جامع باشد ولی اغلب اینگونه نیست. عمده طبقه‌بندیهایی که در این روش استفاده می‌شود عبارت است از لیست فعالیتها، کارها، مفاهیم، ارتباطات، نظامها و غیره.

همچنین یک طبقه بندی پیشرفته دارای سطوح چندگانه از مفاهیم می‌باشد. سطوح بالا، سطوح پایین را تحت پوشش قرار می‌دهند. به عبارت دیگر طبقه‌بندی در طبقات اصلی و فرعی

تحقیق کیفی، نوعی از تحقیقات اجتماعی است که بر روی نگرشهای مردم تمرکز می‌کند و تجربه کسب شده از این نگرشها را در دنیایی که آنها زندگی می‌کنند، بها و ارزش می‌بخشد. ماهیت احساسی تحقیقات کیفی در این است که انواع مدلهای نظم و ترتیب در این تحقیقات به چشم می‌خورند. محققان کیفی انواع مختلفی از روشها را انتخاب می‌کنند تا به اهداف نهاییشان برسند. از نمونه‌های روشهای کیفی می‌توان به اقدام پژوهشی، تحقیق بررسی موردی و تحقیق قوم‌شناسی و ... اشاره کرد. دیدگاه‌های مختلفی درباره این رویکرد تحقیق و نحوه تحلیل داده‌ها در آن و روشهای مختلفی برای آن توسعه داده شده است. صحبت در بحث روشهای تحلیل معادل، صحبت درباره تحلیل داده در تحقیق کیفی است، چرا که این حالات تحقیق،

صورت می‌پذیرد. در حالی که روشهای توسعه داده شده فعلاً دارای چنین طبقه‌بندی داخلی نمی‌باشد.

۲.۱. تحلیل استقرایی (Induction Analysis)

اینک به معرفی تعدادی از روشهای تحلیل داده‌های کیفی

می‌پردازیم.

یکی از روشهای قدیمی و مشهور است که با بررسی رویدادها یک فرضیه در مورد اینکه چه چیزی اتفاق افتاده است شکل می‌گیرد. سپس با بررسی رویدادهای مشابه و آزمایش فرضیه در صورت لزوم فرضیه‌ها اصلاح می‌شوند. با جستجو در استنتاجات برای فرضیه‌ها، آنها مجدداً اصلاح می‌شوند تا اینکه تمام موارد را پوشش دهند و سرانجام فرضیه‌ای ایجاد خواهد شد که تمام موارد مشاهده شده دلالت کند. [۲]

یک طبقه بندی پیشرفته دارای سطوح چندگانه از

مفاهیم می‌باشد. سطوح بالا سطوح پایین را تحت

پوشش قرار می‌دهند. به عبارت دیگر طبقه‌بندی در

طبقات اصلی و فرعی صورت می‌پذیرد.

۳.۱. تحلیل منطقی یا ماتریسی (Logical Analysis)

۱.۱. روش نظریه‌ها (Grounded Theory)

طرحی که بحث تجزیه و تحلیل علی در آن عمومیت داده شده است و یا یک فرایند استدلال منطقی است. از دیگرامها، فلوجارتها برای نمایش تصویری استفاده می‌شود و هدف برقراری یک رابطه منطقی بین رویدادها است.

یکی از کاربردی‌ترین روشهای تحلیل کیفی، روش رویش نظریه‌ها است و بطور کلی شامل مراحل زیر است.

۴.۱. شبه آماری (Quasi-Statistics)

بررسی مستندات و یادداشتها.

• جستجو به دنبال نشانه‌هایی از طبقه‌بندی در رویدادها و

رفتارها و نامگذاری و کدگذاری آنها روی مستندات.

• مقایسه کدها برای کشف تفاوتها و شباهتها.

• برقراری ارتباط بین کدها (معانی مشابه با اشاره به یک

ایده اصلی) در این مرحله نیاز است که رویدادهای

مخصوص طبقه‌بندی شوند و طبقه‌بندیها بر اساس وجوه

تشابه و تفاوت موضوعات مورد بررسی مشخص گردند.

• با استفاده از برنامه‌های کامپیوتری و یا دستی نمونه‌های

بدست آمده را از یادداشتها جدا می‌کنیم.

• شباهت‌ها را یادداشت و طبقه‌بندیها را استخراج می‌کنیم.

• سرانجام طبقه‌بندیها وقتی اشباع می‌شوند که دیگر کد

جدیدی مرتبط با آن شکل نگیرد.

• در نهایت طبقه‌های معین که تمرکز روی آنها زیاد است

طبقه‌های محوری و احتمالاً طبقه اصلی (Core Category)

مشخص می‌شوند.

۵.۱. تحلیل رویداد (Event Analysis)

عبارت است از یافتن دقیق ابتدا و انتهای رویدادها توسط یافتن مرزهایی بخصوص و چیزهایی که مرزها یا رویدادها را مشخص می‌کند. بعد از یافتن مرزها، مراحل رویدادها را با تکرار بررسی بدست می‌آوریم.

۶.۱. تحلیل استعاره‌ای (Metaphorical Analysis)

تکیه بر علم علائم و نشانه‌ها دارد. معین می‌کند که چگونه معنای نشانه و علائم ساخته می‌شوند. فرض می‌کند که معنی ذاتی برای علائم وجود ندارد. بلکه از ارتباط با سایر اعضاء به دست می‌آید.

۱۱.۱. تحلیل پدیدارشناسی (Phenomenology)

مبتنی بر تجربه‌های محققان است و سعی در یافتن ایده‌هایی دارد که بتواند به تحقیقات دیگر افراد تعمیم بخشد.

۱۲.۱. تحلیل عمیق (Narrative Analysis)

مبتنی بر استنتاج کاربردی نام یا واژه‌های تشریحی یا یک هدف عملی می‌باشد که بصورت تحت اللفظی قابل استفاده نمی‌باشد. [۳]

۱۳.۱. تحلیل محتوا (Content Analysis)

با نگاه به مستندات، متن یا سخنرانی تا ببینیم که چه موضوعی معلوم می‌شود. اغلب مردم در مورد چه چیزی صحبت می‌کنند؟ مطالب چگونه به هم ارتباط پیدا می‌کند؟ عبارات و مطالب پنهان و آشکار کدامند؟ نویسندگان و تحلیلگران سیاسی استفاده فراوانی از این روش می‌کنند.

و اینک روش تحلیل محتوا را با جزئیات بیشتر مطرح می‌نماییم.

سعی می‌کنیم که مشاهدات را با استعاره‌هایی انطباق دهیم و اعتبار استعاره‌ها را توسط دیگر داده‌ها بررسی کنیم.

۷.۱. تحلیل محدوده (Domain Analysis)

تحلیل زبان مردم در مفاهیم فرهنگی، توصیف موقعیتهای اجتماعی و الگوهای فرهنگی، محدوده یا حوزه‌های مختلفی وجود دارد. مثل حوزه مردمی، حوزه‌های ترکیبی، حوزه‌های تحلیلی. در این روش روال کار بصورت زیر است:

- انتخاب ارتباطات معنایی
- تهیه کاربرد تحلیل حوزه‌ای
- انتخاب نمونه‌ای از یادداشتها و داده‌ها (جملات افرادی که روی آنها تحقیق شده است)
- جستجو برای جملات کلی و خاص برای توصیف ارتباطات معنایی
- ساخت سوالات درباره این ارتباطات
- تکرار سوال و جواب برای برقراری ارتباط معنایی مختلف
- لیست کردن تمام حوزه‌های کشف شده

۸.۱. تحلیل تفسیر موقعیتی (Hermeneutical Analysis)

به دنبال معنای عینی نیستیم، بلکه به دنبال معنی وابسته به موقعیت افراد هستیم.

۹.۱. تحلیل مباحثه‌ای (Discourse Analysis)

معمولاً با تکرار مصاحبه‌ها و بحث چند نفر در مورد آن یک الگویی استخراج می‌شود و زمان و چگونگی اثرات متقابل الگوها مشخص می‌شود.

۱۰.۱. نماد شناسی (Semiotics)

ایده اصلی فرایند تحلیل، حفظ مزایای تحلیل محتوای کمی همگام با توسعه علم ارتباطات و انتقال آن به مراحل تفسیر کیفی تحلیلها بود.

منابع تحلیل محتوای کیفی عبارت است از: نوشته‌ها، مصاحبه‌ها، گفتگوها، مشاهدات، نوارهای ویدئویی و سایر مستندات

۲. تحلیل محتوای کیفی (Qualitative content Analysis)

تحلیل محتوای کیفی که در اینجا ارائه می‌شود عبارت است از مجموعه تکنیکهایی برای تحلیل سیستماتیک متون می‌باشد، این روش در حدود ۲۰ سال پیش در یک مطالعه و تحقیق پیامدهای حاصل از آمار مربوط به نرخ بیکاری بوجود آمد. در این مطالعه حدود ۶۰ مصاحبه فرم باز که بیش از ۲۰ هزار صفحه مهیا گردیده بود، به روش تحلیل کیفی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند...

ایده اصلی فرابند تحلیل، حفظ مزایای تحلیل محتوای کمی همگام با توسعه علم ارتباطات و انتقال آن به مراحل تفسیر کیفی تحلیلها بود.

منابع تحلیل محتوای کیفی عبارت است از: نوشته‌ها، مصاحبه‌ها، گفتگوها، مشاهدات، نوارهای ویدئویی و سایر مستندات.

تحلیل محتوا بر خلاف اسمش فقط محتوای ظاهری مطالب را بررسی نمی‌کند. سطوح مختلفی از محتوا وجود دارد. مطالب و ایده‌های اصلی یک متن مثل محتوای اولیه، مفاهیم و اطلاعات در محتوای پنهان، تحلیل جنبه‌های رسمی مطالب و هدف اصلی آن است. همچنان که در ذیل به آن اشاره می‌شود، تحلیل کیفی، متون را در یک مدل ارتباطی قرار می‌دهد که اهداف تحلیلها را تعریف می‌کند. بنا به تعریف تحلیل محتوا عبارت از استفاده از روش معتبر و قابل تکرار به منظور ساخت یک استنتاج ویژه از یک متن می‌باشد.

تحلیل محتوای کیفی در چارچوب نگرش تجربی تحلیل متون و ارتباطات بین آن بدون پرداختن صریح به مسائل کمی کردن، تعریف می‌شود. [۴]

۱.۲. تاریخچه تحلیل محتوا

مراحل مختلف سابقه تاریخی تحلیل محتوا بصورت زیر

است:

۱.۱.۲. مرحله اولیه و مقدماتی

رویکردهای مختلفی برای تحلیل و مقایسه متون در مفاهیم تفسیری تحلیل گران مجلات بوجود آمد. از جمله می‌توان به کارهای Sigmund Freud اشاره کرد.

۲.۱.۲. پایه‌های نظری ارتباط و ربط دهی

اساس تحلیل محتوای کمی توسط Pual F.Lazasfeld در آمریکا در خلال دهه ۲۰ و ۳۰ قرن بیستم ارائه گردید. اولین کتاب متنی درباره این روش توسط انتشارات BERELSON در سال ۱۹۵۲ منتشر گردید.

۳.۱.۲. مرحله کاربرد کیفی

تا اواسط قرن بیستم در پی اعتراض به روش کمی که تحلیلهای ساده و سطحی بودند، توجه به مفاهیم و محتوای پنهان موضوع معطوف گشت و رویکرد کیفی تحلیل محتوا توسعه داده شد.

۲.۲. دیدگاه‌های اصلی تحلیل محتوای کیفی

اگر منظور این باشد که تحلیل محتوا کیفی با حفظ مزایای تحلیل محتوا کمی در تفسیرهای متن آنرا توسعه می‌دهد. این مزایا چیست؟ در ذیل به آنها اشاره می‌کنیم:

- تناسب اطلاعات و چگونگی ارتباط: باید معین کرد که چه رابطه استنتاجی باید ساخته شود و جنبه‌های مربوط به رابط، شرایط جمع‌آوری اطلاعات و پیش زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی که متن را تحت تاثیر قرار می‌دهد، مشخص کرد.

- روشهای تحلیلی: اطلاعات باید مرحله به مرحله با استفاده از روشهایی که اطلاعات رابه واحدهای تحلیل محتوا تعبیر می کند، تحلیل شوند.
- طبقه بندی در مرکز تحلیل ها: جنبه های تفسیر متون بر اساس سوالات محققان طبقه بندی شده و بطور دقیق توسط فرایند تحلیل بازنگری می شوند.
- معیار اعتبار و قابلیت اطمینان در مقایسه با نتایج دیگر مطالعات: برای بررسی قابلیت اطمینان تحلیل های محتوای کیفی (بر خلاف تحلیل محتوا کمی) فقط افراد آموزش دیده از بین تیم پروژه مشخص می گردند.

شکل ۱: مدل طبقه بندی استقرایی در تحلیل محتوای کیفی

۳.۲. رویه های تحلیل محتوای کیفی

ایده اصلی این فرایند عبارت از فرموله کردن معیار و ملاک تعریف می باشد که از بین زمینه های نظری و سوالات تحقیق ناشی می شود. بر اساس این معیار بر روی داده ها کار شده و طبقه بندیها بصورت تجربی مرحله به مرحله استنتاج می شود.

موارد اشاره شده در بالا در تحلیل های کیفی حفظ شده است. رویه هایی نیز برای تحلیل محتوا کیفی با دو نگرش استنتاجی و استقرایی بدین شرح وجود دارد.

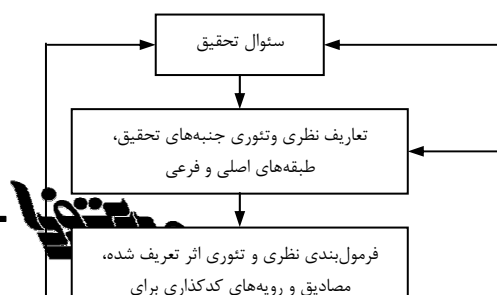
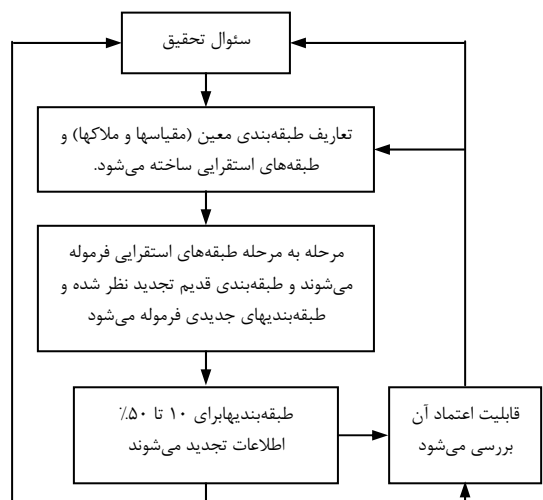
۱.۳.۲. طبقه بندی استقرایی

بوسیله بازخورد مطالب، در این طبقات تجدید نظر شده و سرانجام به طبقه های اصلی کاهش پیدا کرده و برای قابلیت اطمینان تست می شوند و در نهایت اگر سوال تحقیق جنبه های کمی را نیز لحاظ کرده باشد (مثل تکرار پذیری طبقات کدگذاری شده) می توان تحلیل را انجام داد.

تحلیل محتوای کمی کلاسیک، جوابی برای سوالاتی مثل طبقه بندی از کجا می آید و چگونه تعریف شده و توسعه داده می شود، به همراه داشت. اما در رویکرد کمی باید در نظر داشت که توسعه جنبه های تفسیری طبقه ها تا حد امکان به داده ها نزدیک باشند. بنابراین در تحلیل های محتوا کمی طبقه بندیها استقرایی توسعه داده شده است. در شکل ۱ مدل طبقه بندی استقرایی نمایش داده شده است. [۵]

۲.۳.۲. طبقه بندی استنتاجی (قیاسی)

طبقه بندی استنتاجی (قیاسی) با پیش فرموله کردن استفاده می شود. جنبه های نظری تحلیل با متن مرتبط می شود. در شکل ۲ مدل مرحله ای برای طبقه بندی فوق نمایش داده شده است. [۶]



شکل ۲: مدل طبقه‌بندی استنتاجی (قیاسی) برای روش تحلیل محتوای کیفی

ایده اصلی در اینجا کسب تعاریف روشن است. مصادیق و رویه‌های کدگذاری برای هر طبقه استنتاجی، بطور دقیق با مرور متن معین می‌شود و این طبقه‌بندیها بوسیله کدگذاریها به هم مربوط می‌شوند. [۵] برای روشن تر شدن این رویه به مثال ارائه شده در جدول ۱ نگاه کنید.

جدول ۱: مصادیق و رویه‌ها در مدل مرحله ای تحلیل محتوای کیفی (برای یک مثال نمونه)

طبقه‌بندی	تعاریف	مصادیق عینی	کدگذاری
C۱: اعتماد به نفس بالا	<ul style="list-style-type: none"> خود را آنگونه مجاب کند که در شرایط مختلف می‌تواند موفق شود. در مورد برتری و چیرگی خود بر تقاضاهای مختلف روشن است. احساس مثبت و امیدواری در برابر شرایط دارد. مطمئن است که با تلاش خود بر تقاضاها چیره می‌شود. 	<ul style="list-style-type: none"> البته مشکلاتی وجود داشت اما ما بر آن فائق آمدیم یا من خودم یا دانشجویان آنرا انجام دادند. بسته به اینکه چه کسی اشتباه کرده است هر کس می‌تواند اشتباه کند. مطمئناً مسائلی وجود دارد اما در نهایت ما پیروزیم. 	<p>اگر با این سه تعریف هم خوانی دارد، نشانه اعتماد به نفس بالا است.</p> <p>در غیر اینصورت به تعاریف C۲ مراجعه شود.</p>
C۲: اعتماد به نفس متوسط	<ul style="list-style-type: none"> مجاب سازی خود در در شرایط مختلف فرق می‌کند و در حال نوسان است. 	<ul style="list-style-type: none"> غالباً سخت یک تمهید برای مسائل پیدا می‌شود اما بالاخره مشکل حل می‌شود. هر لحظه اوضاع بهتر می‌شود اما من نمی‌توانم بگویم که شرایط اینگونه می‌شود و یا من اینگونه می‌کنم. 	<p>هیچ کدام از تعاریف اعتماد به نفس بالا (C۱) و پایین (C۲) نباشد.</p>
C۳: اعتماد به نفس پایین	<ul style="list-style-type: none"> مجاب‌سازی خود در شرایط مختلف خیلی ضعیف است: نمی‌داند که شرایط دقیقاً چه می‌خواهد. احساس منفی و بدشانسی در مقابل شرایط مطمئن است که تلاش او در برتری بر شرایط تاثیر ندارد. 	<ul style="list-style-type: none"> من فکر می‌کنم که من چیزی نیستم یا حتی کمتر از آن. 	<p>اگر با این سه تعریف هم خوانی دارد، نشانه اعتماد به نفس پایین است.</p>

۳. نرم افزارهای تحلیل محتوای کیفی

با توجه به پیشرفتهای نرم افزاری اخیر، برنامه‌های متنوعی برای پوشش دادن تحلیلهای کیفی بوجود آمده است. کامپیوتر در این بحث سه نقش زیر را عهده دارد.

طبقه‌بندی استنتاجی (قیاسی) با پیش فرموله کردن استفاده می‌شود. جنبه‌های نظری تحلیل با متن مرتبط می‌شود

- به عنوان یک دستیار محقق سهولت کار روی داده‌ها را فراهم می‌آورد (کار با داده‌ها، علامت‌گذاری، نوشتن یادداشت‌ها، تعریف طبقه‌بندی و قوانین کدگذاری، اضافه کردن توضیحات روی داده‌ها) به علاوه ابزار مفیدی برای حمل اطلاعات، جستجو، پرش به عبارات مختلف، جمع‌آوری و ویرایش عبارت است.
 - به عنوان مرکز حفظ مستندات و در مراحل تحلیل است که امکان تکرار و مرور مراحل و افزایش قابلیت اطمینان را می‌دهد.
 - یک ارتباط با تحلیل کمی ارائه می‌دهد (اغلب قبلاً توسط نرم افزار پیاده‌سازی شده است) مثلاً برای مقایسه تکرارپذیری طبقات، بدون امکان اشتباه در انتقال دستی داده از یک کامپیوتر به کامپیوتر دیگر.
- در کار با تحلیل محتوا کیفی می‌توان از برنامه‌های متنوعی استفاده کرد. از جمله از دو برنامه با ارزش Winmax و ATLAS/ti می‌توان استفاده کرد. در آدرسهای زیر می‌توانید، به نسخه demo آنها دسترسی داشته باشید:
- www.atlasti.de و www.winmau.de
- ۴. نمونه‌هایی از مطالعات کیفی مبتنی بر تحلیل محتوا**
- برای نمایش قابلیت‌های اینگونه تحلیل در ذیل به چند پروژه انجام شده اشاره می‌شود.
- Sandra vicini (۱۹۹۳)، ۱۴ مصاحبه فرم باز با مشاوران تحصیل کرده در مورد مطالعات موردی خدمات مشاوره‌ای (ایشان با هدف ساخت نظریه ذهنی مشاوره) انجام داد. او با استفاده از خلاصه سازی تحلیل محتوای کیفی، هشت طبقه اصلی بوجود آورد. نتایج عبارت بودند از: انجام عملی توصیه‌هایی که منجر به درمان می‌شدند. مفاهیم کلی متفاوتی از توصیه وجود داشت و مشاوران بسیار حرفه‌ای برخورد می‌کردند.
- Christa Gerwin (۱۹۹۳)، با مطالعه رفتار ۲۱ معلم متوسطه در مورد مجادلات روزانه آنها و تحلیل نوشته‌ها با استفاده از روش تحلیل محتوا کیفی نشان داد که مشکلات روزانه معلمان از خرابی دستگاه کپی تا بی نظمی دانش آموزان باعث ایجاد استرسهای شدید می‌شود.
 - Gerhard, Klaus beck (۱۹۹۵)، ۲۵ محصول رسانه‌ای (روزنامه‌ها و مجلات و شبکه‌های رادیویی) با تمرکز روی دیدگاه جدید چندرسانه ای تحیل کردند. با ترکیب تحلیل محتوا کیفی استقرایی و استنتاجی (قیاسی) آنها الگویی مثل: شادی وجود حاصل از چند رسانه ایها، خوش بینی اقتصادی، انتقاد سیاسی، پیشگویی خیالی برای بحث بدست آمد.
 - Klaus Goetz, Claudia dolde (۱۹۹۵)، با طرح ۵ مصاحبه فرم باز با دانش آموزان بزرگ سال در آموزش کامپیوتر حین خدمت، با استفاده از تحلیل محتوای کیفی استقرایی و استنتاجی توانایی یادگیری آنها و استراتژی یادگیری را تحلیل کردند. مزیت اصلی مفهوم یادگیری در درس انعطاف پذیری زمان آن و عیب اصلی در تنوع بحثهای درس بود.
 - Joachim Bauer (۱۹۹۸)، با تحلیل زندگی نامه ۲۱ نفر از مبتلابان به آلزایمر به منظور یافتن الگوی مشترک آنها و مقایسه آنها با ۱۱ بیمار روانی در همان سن. با استفاده از تحلیل‌های محتوای کیفی الگوهای در زندگی افراد مبتلا به آلزایمر کشف کرد که در حمایت اجتماعی مفید به نظر می‌رسید. [۶]

نتیجه‌گیری

استفاده از تحلیل محتوای کیفی، تحلیل متون را به صورت سیستماتیک توصیف می‌کنیم. با حفظ مزایای تحلیل در علم ارتباطات (تئوری مرجع، مدل‌های مرحله‌ای، مدل ارتباط، ساخت طبقات، معیارهای اعتبار و قابلیت اطمینان) با توسعه فرایند کیفی (توسعه طبقه‌بندی استقرایی، جمع‌بندی،

تحلیل متن و تحلیل کاربردی استنتاجی) این فرایندها امکان برقراری ارتباط بین تحلیل مرحله‌ای کمی و کیفی را برقرار می‌سازد.

در موارد زیر تحلیل محتوای کیفی مفید است:

- اگر محقق سوالات باز زیاد دارد بنابراین کشف حقیقت متغییر و کار با طبقات با محدودیت همراه خواهد بود.
- اگر برنامه تحلیل همه جانبه و غیر مرحله‌ای انجام شده است. به عبارت دیگر اینگونه تحلیل با دیگر فرایندهای تحلیل کیفی می‌تواند انجام شود.

منابع

۱. Philip Mayring, *Qualitative Content Analysis*, FQS, Volume ۱, No. ۲ – June ۲۰۰۰
۲. http://qualitative_research.net/fqs
۳. http://www.quarc.de/QDA_Overview.html
۴. <http://www.atlasti.com/intro.shtml>
۵. <http://sophia.smith.edu/~jdrisko/QDA software .html>
۶. <http://academic.csuohio.edu/kneuendorf/content/index.html>

